

(۳)

## گزارشی دیگر از طب قدیم نهاوند

این گزارش نیز از سوی آقای احمد نیکبخت کارمند بازنشسته‌ی ادارهی مخابرات نهاوند ارسال شده است. نویسنده‌ی گزارش دیده‌ها و شنیده‌های عینی و تجربی خود را در این خصوص بیان کرده که به این وسیله از ایشان سپاس‌گزاری می‌شود.

فصل نامه

از گذشته‌های نه چندان دور، شاید حدود یک سده‌ی پیش، نهاوند نیز همانند خیلی دیگر از شهرهای ایران از طب سنتی بهره می‌گرفت. آن هم توسط افرادی که اغلب برای کار خود سواد خواندن و نوشتن نداشتند و از تجربیات و یافته‌های خود و پیشینیان استفاده می‌کردند.

همان‌گونه که از قدیم الایام در تمامی بلاد کهن این مرز و بوم رایج بود مردم برای معالجه‌ی بیماران از داروهای گیاهی و جوشانده‌ها و روش‌ها و شیوه‌های طب سنتی استفاده می‌کردند. شهر ما نیز دارای حکیم‌باشی‌ها و دوافروشی‌هایی بوده است.

از شهر و روستا هر کس به دوا و درمان نیاز داشت راهی محله‌ی کلیمی‌ها می‌شد. تا قبل از روی کار آمدن اطبای جدید دو نفر به نام‌های حاج دکتر (طیبیان) و میرزا ابراهیم معروف به حکیم ابراهیم بیماران خود را با ترکیباتی از داروهای گیاهی و گاه شیمیایی درمان می‌نمودند. بیشتر داروهای گیاهی و جوشانده‌ها شامل: بنفشه، سه‌پستان، حلیله، فلوس، خارخسک، عناب، گل‌گاوزبان، چهار شیره (شامل تخم خیار، تخم گشنیز، گزانگبین و عناب) و گل ختمی بود و برای برخی ملین‌ها و مسهل‌ها و تنقیه و اماله و ... از همین داروها و ترکیبات گیاهی استفاده می‌گردید. حکیم‌باشی‌های مذکور ترکیبات مورد نظر خود را با ذکر نام و مقدار و میزان بر روی نسخه می‌نوشتند و بیمار با مراجعه به دواخانه به تهیه آن‌ها اقدام می‌کرد. سر نسخه‌ها شکل و فرم خاصی نداشتند و فاقد هر نوع آرم رسمی و یا نظام پزشکی بود. از هر کاغذ باطله‌ای برای نوشتن این نسخه‌ها استفاده می‌شد. کهن‌ترین

داروخانه‌ی داروهای شیمیایی داروخانه‌ی ملی بود که به وسیله‌ی شخصی که از تهران آمده بود تأسیس شد و مرحوم حاج درویش در این داروخانه شاگرد بود. از آن پس میرزا عبدالله سیف و داروخانه شاه‌رخ‌ی به ترتیب در محله‌ی کلیمی‌ها فعالیت خود را آغاز نمودند.

برای درمان سوختگی‌های سطحی پوست از نوعی پماد ترکیبی با مقیاس و میزان معلوم تجویز می‌گردید که به آن روغن یخ می‌گفتند. پماد روغن یخ ترکیبی از وازلین و اکسید دوزنگ بود که مردم عامی به آن روی‌گشته می‌گفتند. برای ضد عفونی نمودن موضعی زخم‌ها و بریدگی‌های پوستی تنها از محلول مرکورکرم (دواگلی) و پرمنگنات استفاده می‌شد. داروهای آنتی‌بیوتیک مجموعاً از دو یا سه قلم تجاوز نمی‌کرد که قرص سولفات‌تiazول معروف‌ترین آن‌ها بود.

از آن پس کم‌کم داروخانه‌ها به قالب‌های قرص و کپسول و شیاف و اوول مجهز گردیدند که ترکیبات مورد نظر را به مقدار مشخص شده در نسخه جوشانده و در قالب‌های برنجی می‌ریختند و بعد از استخراج مطابق دستور پزشک برای بیمار تجویز می‌نمودند. کمی پیش‌تر در همان محله‌ی کلیمی‌ها دو پیرزن کلیمی به نام‌های دَدَاسِز و خرامان بازواندازی که از طب سنتی به‌جای مانده بیماران خود را درمان می‌کردند و پزشکان تحصیل کرده نیز این شیوه را در معالجه برخی بیماری‌ها تأیید می‌نمودند. آن‌ها بر این عقیده بودند که اکثر بیماری‌ها بر اثر وجود خون کثیف در بیمار به وجود می‌آید. لذا در قسمت‌های خاصی از بدن زالو می‌انداختند. زالو پس از چسبیدن به پوست شروع به مکیدن خون بیمار می‌کرد و متورم شده هر لحظه بزرگ‌تر می‌شد تا جایی که حکیم تشخیص می‌داد زالو را باید از روی پوست بیمار جدا کند.

برای معالجه‌ی چشم، پیرزن کلیمی دیگری به نام دَدَنَته‌جان به معالجه‌ی چشم بیماران مشغول بود. او بیماران را در منزل مسکونی خود می‌پذیرفت و برای معالجه‌ی انواع بیماری‌های چشم از جمله تراخُم که در آن زمان بسیار شایع بود با ریختن پودر نرم و کرم‌رنگی که قبلاً آماده کرده بود به چشم بیماران معالجه می‌کرد. این پودر تَنَد بسیار سوزنده پس از ورود به چشم، سوزش و درد غیر قابل تحملی را ایجاد می‌کرد.

در بین زنان مسلمان نیز چند نفر در بخش‌های مختلف به طبابت مشغول بودند. اکثر

همشهری‌هایی که بیش از چهل سال دارند آن‌ها را به خوبی بیاد دارند. خاله حوری طلا و خاله طاووس دو مامای قدیمی بودند که در زایمان‌های طبیعی و سخت زائی‌های آن دوره بسیار نقش داشتند و نامشان هنوز هم در اذهان عمومی باقی است. برای معالجه‌ی انواع بیماری‌های گوش و حلق و بینی، سرماخوردگی، گریپ، و زکام، و انواع گرفتگی‌های مجاری تنفسی، زنی به نام خاله نرگس با روش دانه‌کنی بیماران را معالجه می‌کرد. دانه‌کنی بدین شرح انجام می‌گرفت که حکیم شخص بیمار را طاق‌باز بر زمین می‌خوابانید و به گونه‌ای سر او را روی زانو می‌گذاشت که با کمی خم شدن دهانش به دهان یا بینی بیمار برسد. سپس با دمیدن و مکیدن‌های بریده، بریده دانه‌هایی از گلو یا بینی بیمار بیرون می‌کشید. دانه‌ها بیشتر از غلات مانند نخود، لوبیا، گندم، عدس، ماش و... و احتمالاً اشیای خارجی کوچکی بود که پس از خارج شدن آن‌ها حال بیمار بهبودی می‌یافت.

برای معالجه‌ی بیماری‌های کشنده و واگیرداری مانند حصه، وبا، مالاریا و سل از داروهای گیاهی و جوشانده‌هایی مانند فلوس و چهار شیره که بسیار بد طعم و بدخور بود استفاده می‌شد. عطاری‌ها و دواخانه‌های علفی به تجویز و فروش این گیاهان اقدام می‌کردند. مغازه‌ی عطاری‌ها شکل خاصی داشت. بر دیوارهای اطراف این مغازه‌ها قفسه‌های منظم چوبی با مجموعه‌ای از جعبه‌های کوچک چوبی کشویی تعبیه شده بود. در هر جعبه‌ی کشویی گیاهی خاص نگهداری می‌شد. مرحوم شکرالله محسنی، مرحوم اسدالله منوری و میرزارحمان نادعلی از قدیمی‌ترین فروشندگان داروهای گیاهی در بازار چهار سوق به شمار می‌آیند.

هم‌زمان با مصرف داروهای گیاهی و طبابت سنتی زنان مسلمان دیگری به نام‌های خاله آمنه، خاله نرگس و خاله هاجر برای معالجه بیماران و پیشگیری از ابتلا به برخی بیماری‌های مهلک با حجامت یا تیغ‌زنی مردم را یاری می‌دادند. این‌ها نیز معتقد بودند برای از بین بردن بیماری و ایجاد طراوت و شادابی بایستی خون کثیف را از بدن خارج نمود. لذا هر ساله سرپرست خانواده تمامی افراد خانواده را از مریض تا سالم و خرد تا کلان به زیر تیغ حجامت می‌کشانید. ابتدا بالا تنه‌ی بیمار را عریان نموده و دو زانو می‌نشاندند. خاله آمنه یا خاله نرگس ابزار جراحی کوچک خود را بر روی لنگی پهن می‌نمود و در پشت سر بیمار می‌نشست. فاصله‌ی بین دو کتف را با آب خالی می‌شست. سپس با تیغ تیز دسته دار

سلمانی برش‌های موازی به طول تقریباً ۱۰ سانتی‌متر از بالا به پایین ایجاد می‌کرد . از شاخ‌های گاو نوعی مکنده ساخته می‌شد که به این امر بسیار کمک می‌کرد .  
 حجامت‌کننده دهانه‌ی گشاد شاخ را بر روی برش‌ها می‌گذاشت و از دهانه‌ی باریک شروع به مکیدن می‌کرد تا هوای داخل شاخ خارج شود . سپس تکه‌ای لاستیک یا چرم نرم را به آرامی بر درِ سوراخ کوچک شاخ می‌فشرده ، به شکلی که محکم بر پشت بیمار می‌چسبید و نمی‌افتاد . بدین ترتیب عمل مکیدن خود به خود ادامه می‌یافت . سپس شاخ‌های بعدی را یکی پس از دیگری در محل خراش‌ها می‌چسبانید و عمل مکیدن خون را این قدر ادامه می‌داد که وی تشخیص دهد خون کثیف به مقدار کافی خارج گردیده و به حد مطلوب رسیده است .

سلمانی‌های شهر نیز به اقدام مشابهی دست می‌زدند که به آن رگ‌زنی و یا تیغ‌زنی و به تعبیر محلی (ری زنی) می‌گفتند . برای معالجه‌ی کسانی که به گرم‌زدگی (تویث) دچار شده بودند و یا مبتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج دیگری بودند از این روش استفاده می‌شد . ابتدا روی سر بیمار را خوب می‌تراشیدند و بعد با تیغ دسته‌دارِ تاشوی سلمانی چند بُرش از بالا تا لب پیشانی به طور موازی ایجاد می‌کردند و یا این که در بعضی از نقاط بدن رگ مشخصی را با تیغ برش می‌دادند که باعث دفع خون و بهبود بیمار شود .

همین سلمانی‌ها در کنار کار اصلی خود انواع جراحی‌های کوچک ، ختنه کردن ، دندان‌کشی و بخیه زدن را انجام می‌دادند . مشهدی صفا سیفی و مشهدی اسماعیل الله قلی از نظر مهارت و خبرگی در این امور از محبوبیت فراوانی برخوردار بودند .

پرتال جامع علوم انسانی